**تاملى در مسئله دعا**

شناخت انسان بدون شناخت جنبه هاى مختلف روحى او ممكن نخواهد بود و يكى از مهمترين و پيچيده ترين حالات روحى انسان كه هم در حوزه انسان شناسى و هم در حوزه حكمت و عرفان الهى بطور بسيار دقيق و گسترده اى مورد مطالعه و بررسى قرار مى گيرد وجود حالات عرفانى او و از آن جمله دعا و راز و نيازهاى او با خدايش است و همين حالت است كه مى توان آن را نقطه اتصال وجود آدمى با متافيزيك (ماوراء الطبيعه) دانست. زيرا دعا جدى ترين و پاك ترين و قوى ترين نحوه برقرارى ارتباط انسان با خالق حكيم و مهربانش است.

فرق اساسى انسان نيز با موجودات ديگر در سه چيز است يكى تفكر متعالى و قدرتمند اوست و ديگرى اختيار و اراده او براى رسيدن به آرزوهاى گوناگونش و ديگرى عشقى همراه با معرفت به خداوند و يكى از تجليات اين عشق و شيفتگى دعا و مناجات و رازگوئى با خداوند است.

با ذكر اين مطلب آشكار مى شود كه دعا علاوه بر اينكه در معارف الهى خصوصا در عرفان اسلامى از اهميت ويژه اى برخوردار است تا حدى كه عرفاء آن را يكى از ابواب كشف و شهود حقايق براى اولياء الهى دانسته اند همچنين در نزد طبقات ديگرى از انسانها هم داراى اهميت مخصوصى است و لذا در اين فرصت اندك و لزوم بحث از دعا ما به مهم ترين اصول و بنيادهاى آن اكتفاء نموده و مقاله را با ارائه مطالبى پيرامون تعريف دعا، عوامل و زمينه هاى توجه نمودن به دعا، اهميت دعا، فوايد دعا، و آداب دعا، به پايان مى رسانيم.

تعريف دعا

در فرهنگ اصطلاحات و تعريفات نفايس الفنون چنين آمده است كه «دعا طلب كردن حاجت است از بارى تعالى به تضرع و اخلاص و گاه بود كه غرض از دعا مجرد مدح و ثنا بود و بيشتر ادعيه خواص و اولياء كه از ما سوى الله اعراض نموده اند از اين قبيل تواند بود و جمعى گفتند دعا آن است كه مروى باشد از شارع به تصريح يا به تعريض و هر آنچه مروى نباشد آن را مناجاة خوانند و دعا هم به قول باشد و آن صريح بود چنانكه رب ارحم واعط و يا به تعريض چنانكه رب انى ضعيف و هم به فعل.» (1)

دكتر آلكسيس كارل نيز بيان زيبايى در تعريف دعا دارد. وى مى گويد: نيايش اصولا كشش روح به سوى كانون غير مادى جهان است. به طور معمول نيايش عبارت است از تضرع و ناله مضطربانه و طلب يارى و استعانت و گاهى يك حالت كشف و شهود روشن و آرام درونى و مستمر و دور تر از اقليم همه محسوسات است. به عبارت ديگر مى توان گفت كه نيايش پرواز روح به سوى خداست و يا حالت پرستش عاشقانه اى نسبت به آن مبدئى است كه معجزه حيات از او سر زده است و بالاخره نيايش نمودار كوشش انسان است براى ارتباط با آن وجود نامرئى آفريدگار همه هستى عقل كل، قدرت مطلق، خير مطلق » (2)

دعا توجه و سخن آگاهانه وجدى فطرت پاك انسانى با خالق دانا و مهربانش در تمامى حالات و بخصوص در تنهاترين و غريبانه ترين حالاتش است كه از سر آگاهى به جنبه هاى گوناگون نيازهاى خود و يا اعتراف به پليدى گناهان خود و اظهار توبه به درگاه او بوجود مى آيد و مى تواند شامل اظهار نيازها و يا مدح و ثناى او بوده باشد و اين حالتى عرفانى است كه به صورت مناجات و ذكر قلبى و يا زبانى در افراد آشكار مى شود.

عوامل توجه به دعا

در نظر اهل معرفت و عارفان حقيقى وجود خداوند به قدرى مقدس و محترم و داراى محبوبيت است كه او را با هيچ چيز نمى توان برابر دانست زيرا تمامى خيرات و زيبائى ها و نيز تمامى آنچه را كه آرزوهاى متعالى انسان و هر موجود ديگرى را بوجود مى آورد و محقق مى سازد از خداوند است. خداوند هم خلق كردنش حكيمانه و بى مانند است و هم محبتش بيكران و وصف ناپذير و روح نواز و هم تنبيه و ادب كردنش عين عدالت و محبت است. با اين وصف تمامى موجودات كه ساخته ست حكمت و محبت خداوند هستند تا زمانى كه موجود هستند و نيز تا زمانى كه از خود و فطرت حقيقى شان غافل نشده اند همواره رو به سوى آن كمال مطلق و زيبايى مطلق و خير مطلق دارند و به سوى او نيز در حركت خواهند بود. منتها در مسير زندگى علل و شرايطى مانع توجه و ارادت قلبى آنها به خالق شان مى شود كه با رفع اين موانع دوباره آن توجه و ارادت حقيقى موجود شده و ادامه مى يابد.

استاد آيت الله جوادى آملى پيرامون اين مسئله گفته اند كه: «چيزى در جهان نيست كه به ياد حق و خداى سبحان نباشد اين انسان مى باشد كه گاهى غافل است و گاهى غير غافل » (3)

استاد مرتضى مطهرى پيرامون علل توجه به خداوند گفته اند: «انسان در دو حال ممكن است خدا را بخواند يكى وقتى كه اسباب و علل از او منقطع شود و دچار سختى و اضطرار گردد و يكى وقتى كه روح خودش اوج بگيرد و خود خويشتن را از اسباب و علل منقطع كند در حال اضطرار و انقطاع اسباب انسان خود به خود بطرف خدا مى رود احتياج به دعوت ندارد و البته اين كمالى براى نفس انسان نيست كمال نفس در اين است كه خودش خود را منقطع سازد و اوج بگيرد.» (4)

آن زمان كه آدمى به بلاها و سختى هاى بزرگ مبتلا مى شود و يا در زمانى كه مسئله مرگ كسى و يا كارگشائى و معجزه بزرگى در زندگى اش مطرح مى شود. همان موقع است كه اصل مهم خداجويى بوجود آمده و كم كم رشد مى كند.

همچنين آدمى اگر مراحل وجود يافتن و سير تحولات زندگى خود را از آغاز تا زمان حاضر به دقت و با ديده بينا و منصف مورد مطالعه و بررسى قرار دهد به طور طبيعى توجه اش به خداوند و الطاف كريمانه او معطوف خواهد شد و اين خود مى تواند عامل بسيار قوى براى دعا و مناجات و ذكر الهى باشد.

عامل مهم ديگر اين است كه روح انسان وقتى از اين عالم دنيا و حوادث آن خسته و دلتنگ شده باشد اگر ذره اى در دلش نور معرفت و ايمان الهى باشد خدايش را با زبان فقر و نيازمندى و شكر مى خواند.

اهميت دعا
اهميت نيايش را در اين كتاب مقدس آسمانى (قرآن كريم) مى توان از سه نظر استفاده كرد:
1- از آياتى كه خداى تعالى در آن بندگان مومن خود را ترغيب و تاكيد فرموده كه او را نيايش كنند. مانند اين آيات «اجابت مى نمايم دعاى نيايشگر را هرگاه مرا بخواند در هر حال و هر جا كه باشد (بقره 186)، بخوانيد پروردگار خود را با حالت زارى كه نشانه نياز است و در حال پنهانى كه دليل اخلاص (اعراف 53 و 54) بخوانيد مرا تا اجابت كنم شما را (مومن 62)

2- از آيات و قصه هاى برخى از پيامبران كه هرگاه نيازى داشته اند و يا به شدائدى گرفتار شده اند تنها مشكل گشاى آنان نيايش بوده است حضرت آدم(ع) پس از ترك اولى در مقام اعتراف به تقصير چنين استغاثه كرد اى پروردگار ما بر نفس هاى خود ستم كرديم اگر نيامرزى ما را بو بر ما رحم نياورى هر آينه از زيانكاران باشيم (اعراف 22) و حضرت نوح پس از صدها سال تحمل شدايد نجات خود را از چنگال قوم بى انصاف به وسيله دعا به دست آورد و نوحا اذنادى من قبل فاستجبناله (انبياء 76)

3- اهميت نيايش را مى توان از آياتى فهميد كه خود به صورت دعا آمده است... پروردگارا عطا فرما ما را در اين سراى توفيق بندگى و در آن سراى جزاى نيك و نگه دار ما را از عذاب دوزخ (بقره 197) (5)

و نيز در بحار الانوار جلد 93 ص 291 چنين آمده است كه «بگو خداوند من، اگر دعاى شما نبود به شما اعتناء نمى كرد (6) و همچنين امام رضا(ع) از پيامبر نقل مى كند كه فرمودند «دعا سلاح مومن، ستون دين و روشنائى آسمانها و زمين است » (7)

مرد شامى از امام على(ع) پرسيد كدام سخن به نزد خداوند بهتر و برتر است؟ امام(ع) پاسخ داد ذكر بسيار، تضرع به خدا و دعا (8)

حضرت امام خمينى(ره) پيرامون اهميت دعا چنين فرموده اند كه: «همه خيرات و بركات از همان دعا خوانهاست حتى آنها كه به طور ضعيف دعا مى خوانند و ذكر الله مى گويند به همان اندازه كه طوطى وار در آنها تاثير كرده بهتر از آنهايى هستند كه ترك دعا كرده اند. نماز خوان ولو اينكه مرتبه نازله اى داشته باشد از نماز نخوان بهتر است آرى همين دعا خوانها و همين كسانى كه به ظواهر اسلام عمل مى كنند يا پرونده جنايت ندارند يا پرونده جنايتشان نسبت به ديگران كمتر است همين دعا خوان ها در نظم اين عالم دخالت دارند دعا را نبايد از بين اين جمعيت بيرون برد جوانهاى ما را نبايد از دعا منصرف كرد» (9)

استاد مرتضى مطهرى(ره) نيز پيرامون اهميت دعا از ديدگاه اولياء الهى گويند «اولياء خدا هيچ چيزى را به اندازه دعا خوش نداشتند همه خواهش ها و آرزوهاى دل خود را با محبوب واقعى در ميان مى گذاشتند و بيش از آن اندازه كه به مطلوب هاى خود اهميت مى دادند بخود طلب و راز و نياز اهميت مى دادند، هيچ گونه احساس خستگى و ملامت نمى كردند.» (10)

از ديدگاه اهل معرفت و عابدان حقيقى سر آمد تمامى زيبايى ها و خيرات همانا توجه و نجواى حقيقى با خداوند است آنان ياد و ذكر خداوند را جزو زيباترين و شريف ترين حالات در عالم هستى مى دانند. توجه و عشق به خداوند بزرگترين قدرت دهنده روح است و راز خستگى ناپذيرى و شكست ناپذيرى مردان بزرگ الهى نيز در همين نكته است كه روح آنان در حالت بالائى از شيفتگى و اميد و توكل و مناجات با خداوند قرار دارد آنها جسم خود را با يك تكه نان مشغول مى دارند و روح شان رهبر جسم شان شده است ولى هرگز روح شان را سرگرم دنيا پرستى ها و ظواهر دلفريب و گمراه كننده آن نمى كنند تا بتوانند به مقامات عاليه روحانى برسند و اندكى بيشتر لذت قرب و انس با خداوند را درك كنند.

دنيا بدون ياد و ذكر خدا كفرستانى بزرگ خواهد بود كه زندگى در آن هر لحظه لحظه اش زندگى جهنمى است زيرا همان گونه كه موجودات به اتكاء به لطف الهى موجود شده اند همينطور هم زندگى مطلوب انسانها بدون توجه جدى و عملى به خداوند هرگز بوجود نخواهد آمد. دلهاى انسانها نيز همچون درختان بهار و زمستانى دارد بهار آنها عشق هاى پاك و سازنده و اميد به خداوند است و زمستان شان گناهان خود و غفلت از ياد خداوند و مبتلا شد به ظلم و جفا كارى هاى ديگران است.

جدى ترين و پاك ترين حالاتش را آدمى فقط در مناجات و دعا با خداوند پيدا مى كند زيرا انسان به يقين مى داند كه نمى تواند چيزى را از او مخفى كند پس او همه افكار كوچك و بزرگش و زشت و زيبايش را به خوبى مى داند. و اين بدين علت نيز مى باشد كه آدمى خودش را در مقابل فهيم ترين و مهربان ترين موجودات احساس مى كند.

دكتر آلكسيس كارل نيز بيان بسيار زيبايى پيرامون اهميت و لزوم دعا دارد. ايشان گويند «انسان هم چنانك به آب و اكسيژن نيازمند است بخدا نيز محتاج است احساسى عرفانى در رديف قدرت مكاشفه، احساس اخلاقى احساس جمال و نور عقل به شخصيت بشرى شكفتگى و انبساط پر معنا و كاملى مى بخشند ... روح نيمى اش عقل است و نيم ديگرش احساس ما بايد هم زيبايى دانش را دوست بداريم و هم زيبايى خدا را» (11)

«اجتماعاتى كه احتياج به نيايش را در خود كشته اند معمولا از فساد و زوال مصون نخواهند بود. اين از آن جهت است كه متمدنين بى ايمان نيز همچون مردم ديندار وظيفه دارند كه به مسئله رشد همه فعاليت هاى باطنى و درونى خود كه لازمه يك وجود انسانى است دلبستگى پيدا كنند» (12)

اين حقيقتى است بزرگ كه عقل گرائى و علم مدارى محض هرگز منجر به تكامل و سعادت انسانها نخواهند شد. بلكه توجه و شيفتگى و فداكارى در راه خداوند است كه زندگى و آخرت او را سر و سامان خواهد داد. زيرا كه عقل جز احتياط كارى هايش و توجيه و تفسيرهاى شخصى و منفعتى و بعضا غلط خود به چيز ديگرى توجه نمى كند ولى دل آگاه و بيدار همه چيزش را مخلصانه در راه خداوند و اوامر حكيمانه و بر حق او فدا مى كند و البته خداوند نيز دلى را كه اينگونه باشد به مهر و خير عظيم خودش واصل خواهد نمود.

اصلا چگونه ممكن است به خداوند و اوامر او توجه نكنيم در حالى كه سراسر وجودمان آه نيازمندى اش به سوى آن خالق يكتا و مهربان همواره بلند است و نيز جز با عشق آگاهانه به خداوند و فراهم كردن توشه عبادات و طاعات و وفادارى در راهش با كدام جرئت و اميد مى توان به طرف او حركت كرد. اساسا هرگاه آدمى نسبت به وظايف و توجهات مهم زندگى خود چه مادى و چه معنوى غفلت ورزد به همان ميزان از چيزهاى باارزش و مفيد بسيارى محروم خواهد شد مثلا آن كسانى كه به تربيت فرزندان خود توجهى نداشته باشند بدون شك از داشتن فرزندان خوب و با ادب محروم خواهند شد.

اگر اندكى بيشتر مطالعه و دقت كنيم ريشه همه نابسامانى ها و گرفتارى هاى زندگى فردى - اجتماعى خود را در ضعف توجه به معنويات الهى و ضعف در پرورش استعدادهاى مثبت روحى خود خواهيم يافت و البته براى بوجود آمدن اين ضعف ها و نقائص نيز علل بسيارى مى توان ذكر نمود كه شايسته است براى رفع آنها بطور جدى از طرف دانشمندان علوم انسانى و عالمان و مبلغين دينى و نيز مسئولين حكومتى در اين امر تدبيرات سودمندى در نظر گرفته شود و گام هاى مثبتى بر داشته شود.

فوايد دعا

دكتر آلكسيس كارل پيرامون اين حقيقت كه دعا داراى اثرات مثبت و سازنده اى است چنين گفته است «آنچه تا كنون بطور مطمئنى مى دانيم اين است كه نيايش ثمرات مخصوص و لمس شدنى بسيار ببار مى آورد نيايش هر چقدر به نظر عجيب بنمايد ما ناچاريم آن را همچون واقعيتى بنگريم كه هر چه بخواهد مى يابد و هر درى را كه بكوبد در برابرش گشوده مى شود.» (13)

ايشان باز چنين گفته اند كه «حتى وقتى كه دعا تا سطح بسيار پائينى تنزل مى كند و به صورت بيان طوطى وار فرمول هاى معينى در مى آيد تمرينى براى پيدايش يك زمينه كاملا لازم روحى به شمار مى رود. و احساس عرفانى و احساس اخلاقى را همراه با هم تقويت مى كند در چهره كسانى كه به نيايش مى پردازند تا حدود تقريبا ثابتى حس وظيفه شناسى، كمى حسد و شرارت و تا اندازه اى حس نيكى و خير خواهى نسبت به ديگران خوانده مى شود.

مسلم به نظر مى رسد كه در صورت تساوى قدرت مغزى و علمى ميان دو نفر سجايا و خصايص اخلاقى آنكه حتى به صورت بسيار معمولى و متوسطى نيايش مى كند تكامل يافته تر از آن ديگرى است نيايش هنگامى كه مدام و پرشور و حرارت است تاثيرش بهتر آشكار مى شود.» (14)

حضرت امام خمينى(ره) در جواب به آن دسته از افراد كه مى گويند ادعيه انسان را از كار و سازندگى باز مى دارد و دعا خوانى امرى بى ثمر و بيهوده است. چنين گفته اند: دعا نقش سازندگى دارد آنهايى كه به خيال خودشان مردم را از دعا و ذكر پرهيز مى دهند تا مردم به دنيا بپردازند نمى دانند كه همين دعا آدم را مى سازد اقامه عدل را در دنيا همين انبيايى كردند كه اهل ذكر و فكر و دعا بودند قيام ضد ستمگرها را همين ها كردند همان حضرت حسين بن على(ع) كه دعاى روز عرفه اش را مى بينيد همين دعاها همين توجهات به خدا انسان را به مبداء غيبى متوجه مى كند كه اگر انسان درست بخواند اين توجه به مبداء موجب مى شود كه انسان علاقه اش به خود كم شود و نه تنها مانع فعاليت نمى شود، بلكه فعاليت هم مى آورد. فعاليتى كه براى خودش نيست براى بندگان خداست و مى فهمد كه فعاليت براى بندگان خدا خدمت به خداست.

كسانى كه از كتب ادعيه انتقاد مى كنند، براى اين است كه جاهلند و نمى دانند كه اين كتب ادعيه چطور انسان مى سازد، نمى دانند اين دعاهايى كه از ائمه ما وارد شده است مثل مناجات شعبانيه، دعاى كميل، دعاى عرفه حضرت سيد الشهداء، دعاى سمات و ... چه جور انسان را درست مى كند همان كسى كه دعاى شعبانيه را مى خواند شمشير هم مى كشد و با كفار جنگ مى كند.

دعا فعاليت و نور مى آورد. ادعيه انسان را از ظلمت نجات مى دهد وقتى از ظلمت رها گردد انسانى مى شود كه براى خدا كار مى كند براى خدا شمشير مى زند، براى خدا جنگ مى كند قيامش براى خداست نه اين كه ادعيه انسان را از كار باز خواهد داشت...

همين كتابهاى ادعيه انسان را آدم مى سازد وقتى يك انسانى آدم شد و به همه مسائل اسلامى و انسانى عمل مى كند و براى خود يا زراعت مى كند يا تجارت و يا كار ديگر و براى خدا جنگ، همه جنگ هائى كه در مقابل كفار و ستمگرها شده از اصحاب توحيد و از اين دعا خوانها بوده است آنهايى كه در ركاب رسول خدا(ص) و در ركاب امير المؤمنين(ع) بودند اكثرا اهل دعا و عبادت زياد بودند.» (15)

حضرت امام خمينى سپس سخن خود را چنين ادامه مى دهند كه «دعا اثر اقتصادى دارد آيا آنها كه اهل حديث و اهل ذكر و اهل دعا بوده اند به اين جامعه بيشتر خدمت كرده اند يا آنهائى كه اهل اينها نبوده و مى گفتند ما اهل قرآنيم؟!

تمام اين خيرات و مبرات كه مى بينيد از اين مؤمنين است تمام اين موقوفات از اهل ذكر و اهل نماز است نه از غير اينها، در ميان اشراف و متمولين، سابق آنهائى كه نماز خوان بودند مدرسه و مريض خانه و امثال آن درست كردند اين يك مطلبى است كه نبايد از بين مردم بيرونش برد. بلكه بايد ترويجش كرد بايد مردم را وادار كرد به اينكه اين توجهات را به خدا داشته باشند.

دعا اثر سياسى و تربيتى دارد قطع نظر از اثر دعا براى رسيدن انسان به كمال مطلق براى اداره كشور هم كمك مى كند براى كمك كردن يك وقت انسان مى رود. دزد را مى گيرد يك وقت دزدى نمى كند آنهائى كه اهل مسجد و دعا هستند اخلال نمى كنند اين خودش كمكى به جامعه است.

آنهايى كه سر گردنه مى روند و آدم مى كشند اهل اين معانى نيستند اگر بودند اين جنايات را نمى كردند. تربيت جامعه به همين چيزهاست به همين ادعيه است كه از خدا و پيغمبر (صلى الله عليه و آله) و ائمه وارد شده است.» (16)

آيت الله محمد تقى مدرسى نيز اثرات دعا را اينگونه بيان نموده اند:

«ذكر: ذكر خداى متعال امرى است كه قرآن در بسيارى از آيات خود بر آن تاكيد مى ورزد. اى كسانى كه ايمان آورديد! خدا را بسيار ذكر كنيد. (41 احزاب) حكمت ذكر از آنجاست كه ذكر دانه دوستى خدا را در دل انسان مى كارد و به آن اكتفا نمى كند كه انسان خدا را فقط بشناسد بلكه بايد او را دوست بدارد و زمانى كه بنده به مرحله دوستى خدا رسيد و دلش را به محبت او آباد كرد طاعات داراى محتواى حقيقى خواهند شد و نيز طاعات به شكل طبيعى از اعضاء انسان جارى مى شود. همان گونه كه سيل از بلندى سپس دعا به درود فرستان به پيامبر و ذكر ثناى او و بيان صفات پسنديده و ستوده آن حضرت مى رسد اين كار ايمان تو را به پيامبر عميق تر از قبل مى كند. همچنين بر اهل بيت(ع) نيز در دعا ثنا و ستايش مى شود.

عقايد: دعا عقايد را در قلب انسان تثبيت مى كند هر مسلمانى مؤمن شمرده نمى شود زيرا ايمان مرحله اى از اسلام به حساب مى آيد و قرآن شرطهائى براى آن قرار داده است. مؤمنان كسانى هستند كه هرگاه ذكر خدا شود دلهاى اينان بيمناك مى گردد. هرگاه آيات او بر آنان خوانده شود. ايمانشان مى افزايد و بر خداوند توكل مى كنند (انفال 12).

تزكيه و پاكسازى نفس: دعا همچنين عامل تزكيه و تكامل آگاهى و نگرش انسان و اصلاح اهداف او در زندگى نيز هست هر انسانى در زندگى هدف هاى مشخصى دارد. خواه كوچك و خواه بزرگ چه خوب و چه بد و دعا در جهت تبديل آنها به بهترين و كاملترين اهداف مى كوشد يا به تعبير ديگر در جهت دگرگون ساختن چارچوب كلى زندگى انسان تلاش مى كند.

اخلاص: دعا به پاكسازى نفس در جهت اصلاح اخلاق و آداب انسان بر مى خيزد بناى اخلاق بر اصلاح نفس و آرزوهاى انسان است.

عمل صالح: دعا به طور خلاصه دعوت انسان است به اعمال صالح همچون نماز، روزه، حج، زكات، جهاد، امر به معروف و نهى از منكر، اصلاح ذات بين، انفاق و ...»#(17)

دكتر آلكسيس كارل همچنين به اثرات طبى دعا اينگونه اشاره مى كند كه: «امروز نيز در جاهايى كه به نيايش مى پردازند از شفاهايى كه با تضرع و توسل به خدا و اولياء خدا نصيب شده است بسيار سخن به ميان مى آيد.

اما وقتى كه مسئله شفا يافتن امراض مشكوك به طور خود به خودى و يا به كمك داروهاى معمولى پيش مى آيد بسيار مشكل است كه بدانيم عامل واقعى اين شفا چه بوده است.

تنها در مواردى نتايج نيايش مى تواند مطمئنا به تحقق برسد كه همه راههاى درمانى غير عملى و يا مردود باشد. در اين خصوص سازمان «طبى لورد» خدمت بزرگى به علم كرده و واقعيت اينگونه شفاها را به اثبات رسانده است.

نيايش گاهى تاثيرات شگفت آورى دارد. بيمارانى بوده اند كه تقريبا به طور آنى از دردهايى چون خوره، سرطان، و عفونت كليه و زخم هاى مزمن و سل ريوى و استخوانى پريتونئال شفا يافته اند. چگونگى اينگونه شفا يافتن ها تقريبا همواره يكسان است.

يك درد بسيار شديد و بعد احساس شفا يافتن در چند دقيقه و حداكثر تا چند ساعت آثار بيمارى محو مى شود و جراحات و صدمات جسمى آن نيز التيام مى يابد.

اين معجزه با چنان سرعتى سلامت را به بيمار باز مى دهد كه هرگز حتى امروز جراحان و نيز فيزيولوژيست ها در طول تجربيات شان مشاهده نكرده اند.

براى اينكه اين پديده ها بروز كند نيازى نيست كه حتما خود بيمار نيايش كند اطفال كوچكى كه هنوز قدرت حرف زدن نداشته اند و همچنين مردم بى عقيده نيز در لورد شفا يافته اند ليكن در كنار آنها كسى نيايش كرده است.

نيايشى كه به خاطر ديگرى انجام شود همواره اثر بخش تر است.» (18)

در روايتى نيز امام كاظم (ع) به اين حقيقت اشاره مى كنند كه: «هر دردى دعايى دارد پس اگر دعا به بيمار الهام شد اجازه شفايش داده شده است » (19)

آيت الله ميرزا جواد ملكى تبريزى كه خود جزو عابدان حقيقى و زاهدان بلند مرتبه است و در عرفان الهى داراى مقامات عاليه اى است يكى ديگر از فوايد دعا را گشوده شدن درهاى مكاشفه و مشاهده و تحصيل معارف و حقايق عاليه در نزد عارفين و عابدان حقيقى مى داند آنجا كه مى گويد «در بيشتر مردم قدر نعمت مناجات را نمى دانند مناجات شامل معارف بالائى است كه به جز اهلش كه همان اولياى خدا هستند و از طريق كشف و شهود به آن رسيده اند كسى از آن آگاهى ندارد. و رسيدن به اين معارف از راه مكاشفه از بهترين نعمت هاى آخرت است كه قابل مقايسه با هيچكدام از نعمت هاى دنيا نيست.» (20)

ياد خداوند و مناجات با او يكى از بهترين وسايل انسان سازى است. عبادات و اطاعات خداوند و ديگر كارهاى نيك افراد همچون آب و غذا و گرما براى گياه است كه موجب شكوفا شدن و نشاط و در آخر ثمر دادن آن گياه مى شود. همچنين گل هاى زيباى معنويت در فصل بهار دل انگيز و روح پرور ذكر خداوند شكوفا مى شوند.

وقتى كسى سعى كند رابطه آگاهانه و صميمى بين خود و خدايش ايجاد كند و در اين راه مشغول به خودشناسى و تهذيب نفس و كسب فضايل اخلاقى شود بدون شك خداوند او را قرين الطاف خاصه خود خواهد نمود و از طرق مختلف او را مورد حمايت و يارى قرار خواهد داد.

آرى ياد خداوند كار گشاى قدرتمند مشكلات و خواسته هاى آدميان است البته به شرط آنكه خوب او را بشناسيم و به او وفادار باشيم و به خوبى اظهار بندگى كنيم.

تنها در دعا است كه آدمى در خواست ها و پرسش هاى بزرگش را با خدايش مطرح مى كند كه در جاى ديگرى چنين امكانى و با اين همه عظمت وجود ندارد.

يكى از فوايد بسيار بزرگ دعا و مناجات با خداوند اين است كه از آن براحتى مى توان براى اثبات وجود خداوند و يگانگى او و ديگر صفات كماليه او استفاده نمود زيرا طبق برهان فطرت آدمى در نيازمندترين و عارفانه ترين حالاتش توجه خود را بسوى وجود كامل و بلند مرتبه اى مى كند كه نيازهاى او را هر چند هم كه بزرگ و متعدد باشد مى تواند براحتى برآورده كند و بى شك چنين موجودى بايد حتما وجود داشته باشد. زيرا انسان هرگز به عدم محض و يا موجودى خيالى نمى تواند چنين توجهى عميق و راستين داشته باشد و نيز در چنين حالتى مخاطب سخنان و دعاى قلبى بسوى كدام موجود غير از خداوند متعال مى تواند باشد؟ يعنى حتما يك نيروى فهيم و قدرتمند و مهربان بايد باشد كه روح آدمى با همه خلوص خود به سوى او توجه كند و با او سخن بگويد زيرا فرد از آن جهت كه خود گوينده است نمى تواند علت و بهانه اى براى بيان كردن سخن ها و راز و نيازهاى خودش بوده باشد. لذا اين فرضيه كه ممكن است فرد براى خودش سخنى بگويد و راز و نيازى كند امرى بطلان پذير و نا صحيح است. همچنين از طريق اين دليل آشكار مى شود كه خداوند متعال يكى است زيرا آدمى در تمامى اين حالات فقط رو به سوى يك موجود كامل و غنى با لذات ازلى و ابدى مى كند و نه چندين موجود مفروض خدايى.

و در اينجاست كه خداوند متعال با استجابت دعاها و بر آورده ساختن نيازهاى كوچك و بزرگ آدميان از طريق دعا اين برهان را نيز ثمر بخش نموده و از اين طريق صحت و اعتبار اين برهان را بخوبى تائيد نموده است.

هنر فوق العاده بزرگ مردان الهى اين بود كه گر چه در اين دنيا سالهاى سال زندگى كردند و رنج هاى فراوانى را بر خود تحمل نمودند و ليكن هرگز خودشان را بنده دنيا نكردند و سر گرم فريب هاى دنيا و دنيا پرستان نشدند و لذا هم در علم و هم در عمل الگوى نيكان و مؤمنين قرار گرفتند و رسم و آئين الهى شان جاودانى شد. و اين همه بدليل اين بود كه در مكتب قرآن و اهل بيت(ع) و عرفان و ذكر و دعاى حقيقى پرورش يافته و تعليم گرفته بودند. و چه بسيار انسانهاى گرفتار و دردمندى بودند كه با آه و ناله مداوم خود در دعاهايشان و نيز توكل شان بر خداوند و اظهار نيازمنديشان به او. حاجاتشان بر آورده شد به گونه اى كه بعد از استجابت دعاى خود شيرنى اين توجه و لطف خداوند را در حق خودشان همواره آنها را به ياد و ذكر خداوند فرا مى خواند.

آداب و شرايط دعا:

آدمى وقتى خداوندش را شناخت و به او ايمان قلبى پيدا كرد و به عنوان مقدس ترين چيزها او را پذيرفت در نهانخانه قلبش نورى از عظمت وجود خداوند در جانش تابيده مى شود و همين امر موجب مى شود كه چه در مقام عبادات و مناجات و چه غير آن نسبت به خدايش حالت احترام و ادب خاصى پيدا كند و مى كوشد كه در مقام بندگى عباداتش را خالصانه تر انجام بدهد زيرا خداوند به ميزان صدق افراد و نيز كيفيت عمل آنها خيلى توجه دارد.

بر وجه تمثيل چنين گوئيم كه لزوم رعايت ادب دعا و عبادات مثل اين است كه فردى كه از كسى چيزى را مى خواهد هر چند هم كه آن چيز كوچك بوده باشد. باز او در ابتدا سلام و احوال پرسى مى كند و با رفتارى مؤدبانه در برابر آن فرد قرار مى گيرد آنگاه خواهش خود را بيان مى كند. حالات خداوند متعالى كه بالاترين و مهمترين مقامات را دارد. البته رعايت ادب در محضر او لازم تر و واقعى تر از هر كس ديگرى بايد باشد البته اين حقيقت را نيز بايد در نظر داشت كه خداوند متعال از بندگانش نه فقط ادب ظاهرى بلكه ادب باطنى افراد را نيز مى خواهد مثلا علاوه بر اينكه بايد در ظاهر در برابر محضر خداوند با ادب باشيم در باطن خود نيز با مراقبت هايى كه انجام مى دهيم. مى كوشيم تا سخنى غير حق و غير ذكر نگوئيم و انگيزه هاى گناه آلود و شيطانى را به دل خود راه ندهيم.

دعاى حقيقى تنها خدا را ياد كردن و اظهار نيازها به درگاه او نيست بلكه همراه با آن دعا كننده مى بايد بكوشد ادب محضر خداوند را نيز بجاى آورد و اين جز با وفادارى به شريعت او و عمل به خواسته هاى او به دست نمى آيد.
آرى براستى كه معامله با خدا هر چند كه پرسودترين و پرخيرترين معاملات و تجارت هاست ولى در همان حال سخت ترين و دشوارترين معامله ها نيز هست كه دلى بس قوى و شجاع مى طلبد. عابدان حقيقى از سر معرفت و شوق حقيقى به خداوند است كه به او توجه مى كنند و نه از سر عادت و ظاهر سازى براى فريب و يا جلب منافع. اينها هرگز به زيادى عبادات و اطاعت شان نظر نداشته و تكيه نمى كنند بلكه فقط به لطف حق اميد دارند و فقط طالب انس و قرب الهى هستند.

آيت الله ميرزا جواد ملكى تبريزى همچنين پيرامون لزوم رعايت آداب دعا چنين گفته اند: «دعا كننده بايد فرمايش امام صادق(ع) در مصباح الشريعه را بياد داشته باشد كه فرمودند ادب دعا را رعايت كرده و بنگر كه چه كسى را چگونه و براى چه مى خوانى؟ عظمت و بزرگى خداوند را باور داشته باش با ديده دل آگاهى او از باطن و اسرار و اعتقادات خود را ببين و راه نجات و هلاك خود را درياب مبادا چيزى از خدا بخواهى كه هلاكت تو در آن بوده ولى گمان دارى كه باعث نجات تو است زيرا خداوند متعال مى فرمايد و انسان با دعاى خير شر خود را مى خواهد و انسان شتابكار است. بينديش كه چه و چه مقدار و براى چه درخواست مى كنى.» (21)

آيت الله ميرزا جواد ملكى تبريزى همچنين پيرامون اهميت رعايت آداب باطنى عبادات و لزوم كسب حقيقت عبادات چنين گفته اند. «چيزى كه براى همگان قابل رويت مى باشد اين است كه بيشتر مردم در عبادات و كارهاى آخرت و حتى در ايمان و اخلاق خود به شكل ظاهرى آن چسبيده ولى در امور دنيائى علاوه بر انجام دادن شكل ظاهرى براى به دست آوردن حقيقت و واقعيت آن دقت زيادى به خرج مى دهند مثلا بيشتر مردم فقط شكل نماز را بوجود آورده و براى تكميل ظاهر آن كوشش كرده ولى در پى بدست آوردن روح آن نيستند و مهمترين چيزى كه باعث از بين رفتن دين و آخرت انسان شده و او را بسوى دنيا كشيده و باعث حاكميت هواى نفس بر انسان مى شود همين مطلب است. (22)

ايشان گويد «شرايط باطنى عبارت است از اين كه ايمان داشته باشد ضرر رسان و سود بخش فقط خداست و اين كه خدا عنايت داشته و خداوند بهتر و باقى تر است و اين كه هيچ خيرى نيست مگر با ولايت خدا و نزديك شدن و ديدار با او و هدف خود را هم منحصر در همين يا در آنچه كه بازگشتش به آن است نمايد تا جايى كه اين مؤمن هيچ لذتى از نعمت هاى خدا نبرد مگر از اين جهت كه اين نعمت از خدا است و حتى در نعمت ها چيزى نبيند جز اين كه اين نعمت ها از جانب خداوند است تا جائى كه نفس عقل و روح او از دنيا بريده و مشغول حمد و ثناى او شوند ادامه اين حال بسيار گرانبهاست كه بجز عده معدودى از اهل معرفت قادر نيستند اين حال را حفظ كنند.» (23)

آيت الله ميرزا جواد ملكى تبريزى شرايط دعا را اينگونه بيان كرده اند:
1- «حضور قلب: با توجه به اين كه دعا عبارت است از خواستن و خواستن امرى باطنى است نتيجه مى گيريم كه دعاى بدون حضور قلب دعا نيست.
2- خضوع و فروتنى
3- اميدوارى چون خواستن بدون اميدوارى تحقق نمى يابد اميدوارى نيز از شرايط دعاست.
4- شناخت خدا و اعتقاد به قدرت او و علم او به نياز زيرا اميدوارى كه يكى از شرايط دعا مى باشد در صورتى تحقق مى يابد كه دعا كننده خداوند را شناخته و علم و قدرت او نسبت به خواسته خود باور داشته باشد
5- اميدوارى به خدا و قطع اميد از ديگران خداوند مى فرمايد و با اميد و آرزو و ترس او را بخوانيد
6- پرهيز از گناه بويژه ستم مالى و آبرويى به مردم در حديث قدسى آمده است. دعا از تو اجابت از من زيرا دعايى از من پوشيده نمى ماند مگر دعوت حرام لقمه. (24)
7- گريستن روايت شده است بين بهشت و جهنم گردنه اى است كه كسى از آن عبور نمى كند مگر كسانى كه از ترس خدا خيلى گريه كرده باشند
8- سپاس و ستايش خداوند...
9- ذكر نام هاى خدا كه مناسب دعايش مى باشد و نيز گفتن نعمت هاى خداوند و شكر آن بيان گناهان و آمرزش خواستن براى آنها.
10- درنگ و عجله نكردن و اصرار و پافشارى در دعا زيرا كه خداوند درخواست كننده لجوج را دوست دارد. و حداقل پافشارى اين است كه دعاى خود را 3 بار تكرار كرده و خواسته خود را 3 بار بگويد
11- پنهان كردن دعا (25) زيرا هم فرمان خداوند را كه پنهانى دعا كنيد اجابت كرده و هم از آفت ريا دور مى ماند و روايت شده دعاى پنهانى برابر با 70 دعاى آشكار است
12- شريك ساختن ديگران در دعا
13- با ديگران دعا كردن دعا در جمع نيز باعث اجابت است
14- تضرع در دعا به همراه قلب خاضع و بدن متواضع و بدون چاپلوسى

15- صلوات فرستادن بر محمد(ص) و آل او نيز در اول و آخر دعا باعث اجابت است
16- پاك دلى و روى آوردن با تمام وجود به خداوند. امر ديگرى كه باعث اجابت است توجه كردن بنده به مولاى بخشنده، مهربان و رحيم با قلب باطن و روح خود مى باشد نيز بايد دل خود را از غير خدا بخصوص افكار پستى كه باعث نجاست دل و كثيف شدن روح مى باشد مانند افكار حرام، مكروه بخصوص غم و غصه دنيا و ترس از ناگوارى ها و بدگمانى به خداوند متعال و بى اعتقادى به وعده هاى او پاك نمود.
17- دعا قبل از بلا چنين دعائى خيلى مؤثرتر از دعايى است كه پس از رسيدن بلا و سختى صورت مى گيرد.
18- شريك نمودن ديگران در دعا قبل از خود و براى آنان دعا كردن امر ديگرى كه در دعا مؤثر است اين است كه ديگران را در دعاى خود شريك نمايند ولى بهتر است قبل از خود براى آنان دعا كند.
19- بلند كردن كف دستها هنگام دعا.
20- در دست داشتن انگشترى عقيق يا فيروزه
21- صدقه دادن.
22- اوقات خاص از قبيل شب و روز جمعه، وقت نماز عشاء، آخر شب تا طلوع فجر بعد از نمازهاى واجب، 3 شب قدر در ماه رمضان، هنگام وزيدن بادها و باريدن باران، از بين رفتن سايه ها و ...
23- مكان هاى خاص، انتخاب مكان هاى شريف
24- حالات عالى مانند رقت قلب.
25- طهارت نماز و روزه.» (26)

علاوه بر آنچه گفته شد تفكر در معانى دعاها و همچنين بدست آوردن فلسفه عبادات و فهم اسرار آن نيز واجب است زيرا هر نوع عبادت و پرستشى و بلكه هر نوع عمل نيكى مى بايد با جريانى از معرفت و حكمت همراه شود و گرنه ارزش آن همچون يك عمل جبرى و يا عملى كه فقط از روى عادت انجام مى شود.پائين خواهد آمد.

براى استجابت دعا نيز علاوه بر رعايت آن آداب دعا. مى بايد همواره به اين دو نكته نيز توجه فراوان داشت اول اينكه صاحب حقى بوده باشيم مثل مظلومين و نه مثل ظالمين و ديگر اينكه بكوشيم همواره با كسب آبرو و عزت به محضر عبادت خداوند برويم همچنين از شكر خالصانه خداوند براى نعمت هاى عظيم مادى و معنوى اش و اظهار توبه و تصحيح اعمال نبايد غافل شد زيرا اينها نيز عوامل مؤثرى در استجابت دعا هستند. خداوند آنقدر مهربان و با محبت است كه اگر با ادب و سلوك الهى هر چه از او بخواهيم (البته اگر از روى حكمت و خير بوده باشد) او به ما خواهد داد ولى ما اغلب فقط به نعمت هاى مادى و نيازهايى كه فقط زندگى ما را سر و سامان مى دهند قناعت مى كنيم و سخت از نعمت ها و الطاف عظيم معنوى او غافل و بى توجه هستيم.

در آخر از خداوند متعال چنين مى خواهيم كه ما را در فهم اسرار عبادات و دورى از دنيا طلبى هاى مذموم و ناپسند موفق بدارد و نيز به همراه آن مى خواهيم كه به ما شوق و همتى قوى براى انجام عبادات و اوامر حكيمانه اش ببخشد بگونه اى كه سختى و ناملايمات روزگار هرگز نتواند به آن آسيبى وارد كند همچنين استجابت دعاهاى خير مؤمنين و مؤمنات را از آن وجود سراسر رحمت و لطف و خير و زيبايى مطلق و بى پايان خواهانيم.

پاورقي

1- فرهنگ اصطلاحات و تعريفات نفايس الفنون، بهروز ثروتيان، ص 128، انتشارات مؤسسه تاريخ و فرهنگ ايران، 1352.
2- نيايش، آلكسيس كارل، محمد تقى شريعتى، ص 41، شركت سهامى انتشار، 1355
3- اسرار عبادات، عبد الله جوادى آملى، ص 89، انتشارات الزهراء، 1374.
4- بيست گفتار، مرتضى مطهرى، ص 289، انتشارات صدرا، 1358.
5- آئين نيايش، ابراهيم غفارى، صفحات 11 و 14، آستان قدس رضوى: 1373.
6- دعا پرواز روح و راه زندگى، محمد تقى مدرسى، مصطفى كمال نژاد، ص 53، مؤسسه مطلع الفجر، 1371.
7- همانجا ،ص 37
8- همانجا، ص 50
9- آئين نيايش، ابراهيم غفارى، صص 23 و 24
10- بيست گفتار، مرتضى مطهرى(ره)، ص 286.
11- نيايش، آلكسيس كارل، محمد تقى شريعتى، ص 67.
12- همانجا، ص 57
13- همانجا، ص 66.
14- همانجا، صص 60 و 61
15- آئين نيايش، ابراهيم غفارى، صص 22 و 23.
16- همانجا، ص 24.
17- دعا پرواز روح و راه زندگى، محمد تقى مدرسى، مصطفى كمال نژاد، صفحات 81 تا 85
18- نيايش، آلكسيس كارل، محمد تقى شريعتى، صفحات 63 تا 65
19- دعا پرواز روح و راه زندگى، محمد تقى مدرسى، مصطفى كمال نژاد، صص 57 و 58
20- المراقبات، ميرزا جواد ملكى تبريزى(ره)، ابراهيم محدث، ص 168، انتشارات اخلاق، 1375.
21- المراقبات، ميرزا جواد ملكى تبريزى(ره) ابراهيم محدث، ص 450.
22- همانجا، صص538 و 539
23- همانجا، صص 257 و 258
34- خداوند آنقدر آگاه و شنوا و لطيف است كه هر نوع دعائى را هر كجا كه باشد و هر چقدر كه آرام و آرام نيز گفته شود بطور دقيق آن را مى شنود پس هر چقدر از درونمان خدا را آرام صدا بزنيم خدا باز آن را خواهد شنيد پس فقط بايد كوشيد كه قابليت و زمينه براى استجابت دعاهايمان را بدست آوريم.
25- رفتار انسانها در تنهائى هايشان بسيار مختلف و بلكه عجيب است يكى در تنهائى هايش فقط به افكار پست و شيطانى اش عمل مى كند و ديگرى در تنهائى ها وقتش را به بطالت مى گذراند و ديگرى در تنهائى هايش خدا را مى خواند و دائم در فكر پرورش استعدادهاى روحى مثبت خود است

26- همانجا، صص 231 تا 257.
رمضان، تجلى معبود (ره توشه راهيان نور)ص 101
جمعى از نويسندگان